

بررسی اثر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی در ایران با استفاده از روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده (FMOLS) (دوره زمانی ۱۳۹۶-۱۳۷۰)

*سید علی اسلامی نژاد^۱، اصغر ابوالحسنی^۲، عبدالعلی منصف^۳، کامران ندری^۴

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم اقتصادی، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، ص. پ ۴۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۴. دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

(دریافت: ۱۳۹۹/۴/۳۰ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۱)

The Effect of Privatization on Economic Growth in Iran, Using the Fully Modified Least Squares (FMOLS) (1991-2017)

*Seyyed Ali Islaminezhad¹, Asghar Abolhasani², Abdolali Monsef³, Kamran Nadri⁴

1. Ph.D. Student of Economics, Department of Economics, Payame Noor University (PNU), P.O.Box 19395-4697, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of Economics, Payame Noor University, Tehran, Iran

3. Associate Professor, Department of Economics, Payame Noor University, Tehran, Iran

4. Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadeq University, Tehran, Iran

(Received: 20/July/2020 Accepted: 1/Nov/2020)

Original Article

10.30473/EGDR.2020.54174.5919

مقاله پژوهشی

Abstract:

From the point of view of scholars in economics, privatization is not only considered as a tool for restructuring the economy and increasing competition, but also an essential base for economic growth and development. According to that, the first and most important goal of privatization program in the General Policies of Principle (44) of the constitution, Law is to increase the economic growth. However, most studies have assessed the effects of privatization just on micro variables in economy, and only a few of them are focused on macro objectives such as economic growth. In this regard and due to uncertainties in the rate of achievement of this goal, as the result of the implementation of the mentioned program, this study is focused on evaluation of the privatization effect on economic growth of the country for the period 1991-2017. For this purpose, the human capital model and also the fully modified least squares (FMOLS) has been used. This method does not have the limitations of the ARDL method, such as the synchronization and exogenous variables and the resulting errors in estimation, which has been used in previous studies. In this study, privatization variable is considered as income from the transferring. Estimating the model and performing statistical tests, findings show that the impact of privatization on economic growth is positive and significant during the mentioned period.

Keywords: Privatization, Principle (44) of the Constitution, Economic Growth, Human Capital.

JEL: J24, O40, L33.

چکیده:

از دیدگاه اندیشمندان اقتصادی، خصوصی سازی نه تنها ابزاری برای تغییر ساختار اقتصاد و افزایش رقابت، بلکه زیربنای ضروری برای رشد و توسعه اقتصادی قلمداد می گردد. بر همین اساس اولین و مهم ترین هدف مطرح شده برای برنامه خصوصی سازی کشور در سیاست های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی نیز افزایش رشد اقتصادی می باشد. با این وجود، اغلب مطالعات انجام شده در این خصوص محدود به ارزیابی اثرات خصوصی سازی بر متغیرهای خرد اقتصادی بوده و این تحقیقات کمتر روی اهداف کلان برنامه، از جمله رشد اقتصادی تمرکز دارند. در این راستا و با توجه به ابهامات موجود در خصوص میزان دستیابی به این هدف در اثر اجرای برنامه مذکور، در مطالعه حاضر سعی شده است تأثیر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی کشور طی دوره زمانی (۱۳۷۰-۱۳۹۶) مورد ارزیابی قرار گیرد. بدین منظور از الگوی سرمایه انسانی و روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده (FMOLS) استفاده شده است. این روش محدودیت های مربوط به روش ARDL، مانند هم زمانی و برون زایی متغیرها و اشکالات حاصل از آن در برآورد، که در مطالعات پیشین استفاده شده است را ندارد. در این مطالعه متغیر خصوصی سازی به صورت درآمدهای حاصل از واگذاری در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل و انجام آزمون های آماری لازم در این زمینه، نشان می دهد که اثر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی کشور در دوره زمانی مذکور مثبت و معنادار می باشد.

واژه های کلیدی: خصوصی سازی، اصل ۴۴ قانون اساسی، رشد اقتصادی، سرمایه انسانی.

طبقه بندی JEL: J24, O40, L33.

* نویسنده مسئول: سید علی اسلامی نژاد (این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان "اثر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی و بهره دوری شرکت های واگذار شده (خصوصی شده) در ایران (دوره زمانی ۱۳۹۶-۱۳۷۰)" می باشد).

*Corresponding Author: Seyyed Ali Islaminezhad

E-mail: islaminezhad@chmail.ir

۱- مقدمه

بدون تردید نیل به رشد اقتصادی بالاتر یکی از مهم‌ترین اهدافی است که سیاست‌گذاران اقتصادی در هر کشور دنبال می‌کنند تا از این طریق بتوانند زمینه توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی افراد جامعه خود را فراهم نمایند. برای دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر، راهکارهای متفاوتی وجود دارد؛ لیکن برای انتخاب یکی از آنها به عنوان استراتژی توسعه، باید توانایی‌ها، ضعف‌ها، زیرساخت‌ها و زمینه‌های مورد نیاز و نیز قابلیت‌های اقتصادی هر کشور در اجرای آن سیاست به خوبی بررسی شود تا سیاستی اتخاذ شود که بیشترین هماهنگی را با شرایط جامعه مورد نظر داشته باشد (رزمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۹). یکی از این سیاست‌ها، که در بسیاری از کشورها نیز اجرا گردیده است، انجام برنامه خصوصی‌سازی می‌باشد. خصوصی‌سازی نه تنها ابزاری برای تغییر ساختار اقتصاد و توسعه نقش واحدهای خصوصی و افزایش رقابت است، بلکه زیربنای ضروری برای توسعه و رشد اقتصادی نیز به شمار می‌رود (گستف سان و مک لین^۱، ۲۰۰۲: ۱). به طوری که داده‌های مربوط به کشورهای در حال توسعه و در حال گذار در مطالعه صندوق بین‌المللی پول همبستگی شدیدی را میان رشد اقتصادی و خصوصی‌سازی نشان می‌دهد (کیکری و نیلیس^۲، ۲۰۰۱: ۴۴). بر همین اساس بررسی تأثیر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی، از اهمیت ویژه‌ای برای کشورهای در حال توسعه که مشغول پیاده‌سازی برنامه‌های خصوصی‌سازی هستند برخوردار است (بوبکری و همکاران^۳، ۲۰۰۹: ۱۶).

اجرای برنامه خصوصی‌سازی اولین بار در کشور آلمان و در دولت کونراد آدنور^۴ (سال ۱۹۶۱) و سپس در کشور انگلستان و در دولت مارگارت تاچر^۵ (۱۹۷۹) صورت پذیرفت. متعاقباً کشورهای فرانسه، اطریش، بلژیک، کانادا، شیلی، دانمارک، هلند، ایتالیا، جامائیکا، ژاپن، مالزی، سنگاپور، اسپانیا، سوئد و ایالات متحده نیز خصوصی‌سازی‌های مهمی را از طریق عرضه عمومی سهام به انجام رسانیدند. در کشور ما نیز پس از پایان جنگ تحمیلی و در راستای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی، سیاست خصوصی‌سازی به عنوان یک سیاست مهم در برنامه‌های اول و دوم توسعه مورد توجه قرار گرفت. لیکن از

نظر تاریخی، برنامه سوم توسعه نقطه عطفی در اجرای برنامه خصوصی‌سازی بوده است. بر اساس این قانون، سازمان خصوصی‌سازی تشکیل و کلیه واگذاری‌ها به این سازمان محول گردید. متعاقباً در طول اجرای برنامه چهارم توسعه تغییر و تحولات بسیار مهم و اساسی در برنامه خصوصی‌سازی کشور ایجاد گردید. عمده این تغییرات شامل ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در تاریخ ۱۳۸۴/۰۳/۰۱ و ابلاغ قانون اجرای سیاست‌های مذکور در سال ۱۳۸۷ می‌باشد. در این راستا تاکنون بالغ بر یک میلیون و چهار صد هزار میلیارد ریال از سهام شرکت‌های دولتی به بخش غیردولتی واگذار شده است؛ لیکن با وجود این حجم از واگذاری‌ها، هنوز ارزیابی مناسبی از آثار و نتایج منبعث از خصوصی‌سازی، علی‌الخصوص در حوزه کلان اقتصادی صورت نگرفته است. نکته قابل ذکر آنکه اغلب مطالعات انجام شده در زمینه خصوصی‌سازی در ایران، معطوف به ارزیابی اثرات این برنامه در سطح متغیرهای خرد اقتصادی می‌باشد و این تحقیقات کمتر روی بررسی اثرات کلان برنامه، تمرکز دارند. این در حالی است که اولین و مهم‌ترین هدف مطرح شده برای برنامه خصوصی‌سازی کشور در سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، افزایش رشد اقتصادی می‌باشد و لذا بررسی اثر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی ضروری به نظر می‌رسد. به علاوه در این مطالعات از مدل ARDL^۶، بدون توجه به برخی محدودیت‌های این روش مانند هم‌زمانی و برون‌زایی متغیرها و اشکالات حاصل از آن در برآورد، استفاده نموده‌اند، و از روش‌هایی دیگر مانند روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده (FMOLS)^۷، استفاده نکرده‌اند. با عنایت به موارد مذکور، در تحقیق حاضر مقرر است تا نحوه و میزان اثرگذاری خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی در کشور با استفاده از روش اخیرالذکر مورد مطالعه قرار گیرد.

در ادامه ابتدا در بخش دوم، ادبیات تحقیق پیرامون خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی، نحوه ارتباط آنها و پیشینه تحقیق ارائه می‌گردد. بخش سوم به روش تحقیق، تصریح مدل و فرضیه‌ها اختصاص می‌یابد. در بخش چهارم نسبت به برآورد مدل و نتایج آن اقدام می‌شود و نهایتاً در بخش پنجم نتیجه‌گیری تحقیق ارائه می‌شود.

1. Gustafson & McLean (2002)
2. Kikeri & Nellis (2001)
- 3- Boubakri et al. (2009)
4. Konrad Adenauer
5. Margaret Thatcher

6. Autoregressive Distributed-Lag
7. Fully Modified Ordinary Least Square

۲- ادبیات موضوع

۲-۱- مفهوم و تعریف خصوصی سازی

با توجه به گستردگی مفهوم خصوصی سازی، ارائه یک تعریف واحد برای آن کار دشواری است؛ لذا صاحب نظران و اقتصاددانان در خصوص آن تعاریف متعدد و متنوعی ارائه کرده‌اند.

خصوصی سازی گستره‌ای از انگیزه‌های سیاسی است که در پی تغییر تعادل موجود بین مسئولیت‌های دولتی و خصوصی در قبال سیاست‌های عمومی جامعه است (اسمیت و لیپسکی^۱، ۱۹۹۳: ۲۱). خصوصی سازی انتقال دارایی‌ها یا توزیع خدمات از دولت به بخش خصوصی است که می‌تواند دامنه گسترده‌ای را شامل شود، که گاهی اوقات نقش بسیار محدود دولت را نیز منع کند (فالیو و دونالدسون^۲، ۲۰۰۷: ۴۶۱). خصوصی سازی وسیله‌ای برای بهبود عملکرد فعالیت‌های اقتصادی (صنایع) از طریق افزایش نقش نیروهای بازار است، به طوری که حداقل ۵۰ درصد سهام دولتی به بخش خصوصی واگذار گردد (بیسلی و لیتل چایلد^۳، ۱۹۸۳: ۱). خصوصی سازی افزایش خرید خدمات دولتی توسط بخش خصوصی و عقد قرارداد با ارائه‌دهندگان خدمات بخش خصوصی است (پرینگ^۴، ۱۹۸۷: ۲۸۹).

۲-۲- روش‌های اجرای خصوصی سازی

در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان روش‌های زیر را برای خصوصی سازی در نظر گرفت:

الف- خصوصی سازی همراه با واگذاری مالکیت:

این نوع واگذاری‌ها شامل عرضه عمومی سهام، عرضه محدود سهام، فروش دارائی‌ها، تجزیه واحدهای بزرگ به واحدهای کوچک‌تر و سپس عرضه آنها، مشارکت جدید بخش خصوصی در واحدهای دولتی، فروش سهام به مدیران و کارکنان و توزیع مجانی یا ارزان قیمت سهام می‌باشد.

ب- خصوصی سازی بدون واگذاری مالکیت:

در این نوع واگذاری می‌توان به روش‌های پیمان مدیریت، قرارداد خدماتی و قرارداد اجاره و اجاره به شرط تملیک اشاره نمود (اسلامی نژاد، ۱۳۹۲: ۲۲-۱۶).

۲-۳- عملکرد خصوصی سازی در کشور

عملکرد برنامه واگذاری‌ها در سه بازه زمانی سال‌های ۷۹-۱۳۷۰، ۸۴-۱۳۸۰ و ۹۷-۱۳۸۵ در قالب جداول ۱، ۲ و ۳ ارائه شده است. در بازه زمانی اول (۷۹-۱۳۷۰) واگذاری‌ها رأساً توسط دستگاه‌های اجرایی و به صورت غیرمنسجم صورت می‌پذیرفت. در بازه زمانی دوم (۸۴-۱۳۸۰) به موجب قانون برنامه سوم توسعه، جهت انسجام و انضباط در امر واگذاری‌ها، اجرای برنامه خصوصی سازی به سازمان خصوصی سازی محول شد و این سازمان به وکالت از دستگاه‌های اجرایی نسبت به انجام واگذاری‌ها اقدام نمود. شروع بازه زمانی سوم (۹۷-۱۳۸۵) همزمان با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) می‌باشد و در این دوره واگذاری‌ها نسبت به قبل با سرعت و دقت بیشتری اجرایی شد.

با عنایت به موارد مندرج در جداول مذکور:

۱- ارزش واگذاری‌های انجام یافته از سال ۱۳۷۰ تا قبل از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) یعنی تا سال ۱۳۸۴ (بازه زمانی ۱۴ ساله)، برابر مجموع ارزش واگذاری‌های مندرج در جداول ۱ و ۲ یعنی مبلغ ۳۲۰۳۸ میلیارد ریال می‌باشد. لیکن پس از ابلاغ سیاست‌های یاد شده تا سال ۱۳۹۷، یعنی بازه زمانی ۱۳ ساله، این رقم به مبلغ ۱۴۶۸۴۰۴ میلیارد ریال رسیده است (جدول ۳). که این افزایش مبین رشد ۴۴۸۳ درصدی در ارزش واگذاری‌ها پس از ابلاغ سیاست‌های مذکور می‌باشد.

۲- با توجه به اطلاعات مندرج در جداول ۲ و ۳ طی سال‌های مختلف برخی از واگذاری‌ها در قالب رد دیون دولت به اشخاص حقیقی و حقوقی طلبکار از دولت صورت پذیرفته است؛ که این امر به دو صورت اتفاق افتاده است: الف- بخشی به صورت انتقال منابع حاصل از واگذاری‌ها به طلبکاران، بوده است (مبلغ ۱۲۴۱۴۸ میلیارد ریال یعنی حدود ۸٪ از کل ارزش واگذاری‌ها در بازه زمانی مورد نظر). در این نوع واگذاری، سهام با شرایط رقابتی و به عموم متقاضیان فروخته می‌شود و تنها مبالغ حاصله به طلبکاران اختصاص می‌یابد. ب- بخشی به صورت انتقال اصل سهام به طلبکاران بوده است (مبلغ ۳۱۳۲۲۵ میلیارد ریال معادل ۲۱٪ از کل ارزش واگذاری‌ها در بازه زمانی مورد نظر). این نوع واگذاری از بحث‌برانگیزترین اشکال واگذاری‌ها است که حتی عده‌ای از صاحب نظران و اندیشمندان مربوطه آن را

1. Smith & Lipsky (1993)
2. Fafaliou & Donaldson (2007)
3. Beesly & Littlechild (1983)
4. Pring (1987)

۳۹٪ از واگذاری‌ها، خصوصی‌سازی واقعی محسوب نمی‌گردد.

۵- از سال ۱۳۹۳، با ابلاغ قانون اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، تسویه و تهاتر بدهی‌های دولت به طلبکاران از طریق واگذاری اصل سهام و دارائی‌ها ممنوع شده است. البته برخی واگذاری‌های انجام شده در این خصوص در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ در راستای اجرای مصوبات صادره سنوات قبل در این زمینه و تعهدات دولت مبنی بر اجرای مصوبات مذکور بوده است.

همچنین لازم به ذکر است از سال ۱۳۸۰ تا کنون (۱۳۹۷)، تعداد ۲۰۰۸ بنگاه (شرکت و دارائی) در برنامه واگذاری قرار گرفته‌اند؛ که از این تعداد ۹۰۸ مورد واگذار، ۲۰۳ مورد منحل، تحصیل یا ورشکسته، ۲۹۵ مورد انتقال به گروه ۳ موضوع ماده (۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی (یعنی موارد غیرمشمول واگذاری) یا خروج از برنامه واگذاری، ۳ مورد پیشنهاد خروج از برنامه واگذاری و ۵۹۹ مورد نیز در برنامه واگذاری قرار دارند.

خصوصی‌سازی واقعی محسوب نمی‌کنند. در این روش دولت در یک فضای غیررقابتی و بدون در نظر گرفتن تخصص و دانش متقاضی (طلبکار) یا تجربه وی در زمینه فعالیت شرکت و صرفاً بخاطر خلاص شدن از دیون خود، اصل سهام را به طلبکار منتقل می‌نماید. بنابراین در این شیوه واگذاری عملاً نمی‌توان نسبت به تحقق اهداف مترتب بر خصوصی‌سازی امیدوار بود.

۳- اختصاص سهام به طرح توزیع سهام عدالت از سال ۱۳۸۵ شروع و در سال ۱۳۹۳ خاتمه یافته است. در این بازه زمانی مجموع ارزش سهام اختصاص یافته به این طرح مبلغ ۲۶۶۳۶۳ میلیارد ریال بوده است (معادل ۱۸٪ از ارزش کل واگذاری‌ها). در حال حاضر مالکیت و مدیریت این سهام (متشکل از سهام ۴۹ شرکت، به موجب مصوبه مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۱۶ شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی) همچنان در اختیار دولت است و عملاً به مردم منتقل نشده است.

۴- با توجه به اینکه ۲۱٪ از واگذاری‌ها به صورت انتقال اصل سهام به طلبکاران بابت رد دیون دولت و ۱۸٪ نیز به طرح توزیع سهام عدالت تخصیص یافته است، لذا عملاً

جدول ۱. ارزش واگذاری‌های انجام شده طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۹ (ارزش به میلیارد ریال)

سال	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
ارزش واگذاری	۲۶۶	۲۳۹	۲۸۸	۹۲۴	۵۱۶	۱۰۹۱	۱۷۳	۷۶۲	۲۳۴۸	۱۷۲۲

مأخذ: گزارشات عملکرد سازمان خصوصی‌سازی، سال‌های مختلف

جدول ۲. ارزش واگذاری‌های انجام شده طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ (ارزش به میلیارد ریال)

نوع واگذاری	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴
اختصاص منابع به درآمد عمومی	۲۰۱	۳۱۴۸	۱۰۱۴۴	۷۰۹۳	۸۲۶
اختصاص منابع بابت رد دیون	۰	۰	۰	۰	۰
اختصاص سهام بابت رد دیون	۰	۷۷	۲۱۴۶	۸۴	۰
سهام عدالت	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۲۰۱	۳۲۱۵	۱۲۲۹۰	۷۱۷۷	۸۲۶

مأخذ: همان

جدول ۳. ارزش واگذاری‌های انجام شده طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ (ارزش به میلیارد ریال)

نوع واگذاری	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
اختصاص منابع به درآمد عمومی	۳۶۷۸	۴۶۰۷۵	۲۵۸۶۳	۱۱۹۹۱۸	۶۰۸۵۳	۳۴۳۶۰	۶۸۷۷۵
اختصاص منابع بابت رد دیون	۰	۰	۵۲۲۲	۱۶۷۹۰	۰	۲۳۲۵۱	۲۱۷۲۱
اختصاص سهام بابت رد دیون	۰	۲۴۵۳۳	۲۹۵۸۶	۱۲۶۷۵	۰	۴۵۱۵۷	۳۹۹۹۹
سهام عدالت	۳۰۴۰۷	۷۲۸۳۱	۱۷۴۹۵	۱۰۵۹۲۹	۰	۱۵۶۹۸	۰

جمع	۳۴۰۸۴	۱۴۳۴۳۹	۷۸۱۶۷	۲۵۵۳۱۱	۶۰۸۵۳	۱۲۸۴۶۶	۱۳۰۴۹۴
نوع واگذاری	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	جمع کل (۹۷-۱۳۸۵)
اختصاص منابع به درآمد عمومی	۲۳۷۰۲۹	۴۹۶۹۳	۳۰۰۶۸	۳۰۳۴۵	۱۹۱۳۰	۳۸۸۸۱	۷۶۴۶۶۸
اختصاص منابع بابت رد دیون	۴۷۱۶۴	۰	۰	۰	۰	۰	۱۲۴۱۴۸
اختصاص سهام بابت رد دیون	۱۳۴۹۷۵	۰	۷۲۶۹	۱۹۰۳۳	۰	۰	۳۱۳۲۲۵
سهام عدالت	۲۱۴۳۰	۲۵۷۳	۰	۰	۰	۰	۲۶۶۳۶۳
جمع کل	۴۴۰۵۹۷	۵۲۲۶۶	۳۷۳۳۶	۴۹۳۷۸	۱۹۱۳۰	۳۸۸۸۱	۱۴۶۸۴۰۴

مأخذ: همان

۲-۴- تأثیر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی

در خصوص اثرگذاری خصوصی سازی بر متغیر رشد اقتصادی، علاوه بر مطالعات تجربی موجود و نظرات محققان مختلف در این زمینه که به برخی از آنها در بخش پیشینه این تحقیق اشاره می‌شود، دلایل نظری متقنی نیز در این زمینه توسط اندیشمندان مختلف مطرح شده است که در ادامه به صورت مختصر به آنها اشاره می‌شود.

الف- اثرات ناشی از مصرف درآمدهای حاصل از واگذاری توسط دولت:

در بخش (۲-د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، بر مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری به منظور ایجاد زیربنای اقتصادی توسط دولت و مشارکت شرکت‌های دولتی با بخش‌های غیردولتی به منظور توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه یافته، اعطای تسهیلات برای سرمایه‌گذاری بخش‌های غیردولتی در توسعه این مناطق و همچنین تکمیل طرح‌های نیمه تمام تصریح شده است. متعاقباً در بندهای (۳) و (۵) ماده (۲۹) قانون یاد شده، مجدداً بر مصرف بخشی از درآمدهای حاصل از واگذاری برای موارد فوق تأکید گردیده است.

لذا مصرف این منابع برای سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی و توسعه مناطق کمتر توسعه یافته می‌تواند موجب رفع تنگناهای تولید و افزایش رشد اقتصادی گردد. همچنین استفاده از درآمدهای حاصل از واگذاری برای افزایش درآمد اقشار کم درآمد جامعه، در آغاز موجب افزایش مصرف و سپس بر اساس اصل ضریب تکاثر موجب افزایش تولید ملی خواهد شد (سلیمانی سه دهی و داورزنی، ۱۳۸۹: ۱۰۶). به علاوه در صورتی که این درآمدها از منابعی غیر از منابع داخلی بنگاه (مانند وام‌های خارجی و داخلی) تأمین شده باشد، از طریق افزایش عرضه پول و کاهش نرخ بهره، اثر انبساطی بر تولید ملی خواهد داشت و با افزایش سرمایه‌گذاری، تولید ملی را افزایش خواهد داد.

در کنار این موارد، دولت با انجام فرایند خصوصی سازی و کاهش نقش خود در ارائه خدمات و کاهش یارانه‌های دولتی می‌تواند هم فرصت بیشتر و بهتری برای نظارت و سرمایه‌گذاری در عرصه اقتصاد داشته باشد و هم بودجه خود را صرف زیرساخت‌ها و صنایع محرک رشد اقتصادی نماید.

ب- افزایش بهره‌وری شرکت‌ها در سطح خرد:

بدون تردید افزایش بهره‌وری منجر به افزایش تولید و رشد اقتصادی خواهد شد. با عنایت به اینکه شرکت‌های خصوصی بنا به دلایل زیر نسبت به شرکت‌های دولتی دارای بهره‌وری بالاتری هستند؛ لذا خصوصی سازی می‌تواند از طریق افزایش بهره‌وری منجر به افزایش رشد اقتصادی شود:

۱- مدیران بنگاه‌های دولتی نسبت به هم‌تایان خود در شرکت‌های خصوصی انگیزه‌های ضعیف‌تر یا متضادتری دارند و بنابراین تمایل کمتری به تلاش برای کسب حداکثر سود و (به ویژه) کاهش هزینه‌ها خواهند داشت.

۲- از آنجا که معمولاً مالکیت بنگاه‌های دولتی در اختیار دولت (به نوعی تمامی شهروندان) است، انگیزه کافی برای کنترل مدیران آنها وجود ندارد. حتی به فرض کشف عملکرد ضعیف مدیران، شیوه‌های کارآمد معدودی برای تغییر مناسب و مؤثر عملکرد آنها وجود دارد.

۳- بنگاه‌های دولتی مواجه با محدودیت‌های بودجه‌ای نرم هستند. در واقع امکان ندارد که دولت اجازه دهد تا یک بنگاه دولتی با ورشکستگی مواجه شود. لیکن در خصوص شرکت‌های خصوصی وضعیت به گونه‌ای دیگر است؛ اگر مدیران یک شرکت خصوصی عملکرد مؤثری نداشته باشند، توسط سهامداران تعویض می‌شوند. به هر جهت نظم تحمیلی بر شرکت‌های خصوصی در مورد بنگاه‌های دولتی وجود ندارد. از آنجا که بنگاه‌های دولتی برای تأمین منابع مالی به دولت تکیه می‌کنند، گفته می‌شود که این شرکت‌ها با محدودیت‌های بودجه‌ای نرم مواجه هستند.

محسوب می شود (عباسی، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

د- افزایش رقابت پذیری

خصوصی سازی منجر به تشکیل نظام جدید بر اساس بازار و دگرگونی و تحول در ابعاد مختلف اقتصادی، بر اساس نظر شوارتز^۵ و همچنین حذف مقررات و ضوابط محدود کننده و ایجاد رقابت، بر اساس دیدگاه کی و تامپسون^۶ خواهد شد (سلطانی، ۱۳۸۹: ۱۵). این تغییرات حاصل از خصوصی سازی، می تواند منجر به افزایش سرمایه گذاری و همچنین توسعه صادرات شده و از این طریق نیز موجبات افزایش رشد اقتصادی را فراهم آورد.

اصلاحات نهادی مانند خصوصی سازی و مقررات زدایی، نه تنها شرایط داخلی اقتصاد را به نفع بخش خصوصی تغییر می دهند، بلکه تجارت بین المللی و سرمایه گذاری خارجی را نیز متأثر می کنند. خصوصی سازی و تغییراتی که به همراه آن ایجاد می شود، علامت قوی ای به سرمایه گذاران خارجی می دهد که اقتصاد به طور جدی در حال تغییر مسیر به سمت نظام بازار است و امکان برگشت آن در کوتاه مدت وجود ندارد. بنابراین، خصوصی سازی می تواند موجب کاهش نااطمینانی شده و محیط مناسبی برای سرمایه گذاری سرمایه گذاران داخلی و خارجی و در نتیجه رشد اقتصادی فراهم آورد (مشیری، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

همچنین به عقیده بلوچلیگر و ایگرت^۷ (۲۰۱۳) تمرکززدایی (واگذاری فعالیتها به بخش خصوصی) بر رفتار اقتصادی خانوارها از کانال پس انداز، بر رفتار بنگاهها از کانال سرمایه گذاری و بر رفتار واحدهای عمومی از کانال مخارج تأثیرگذار است که این موارد نیز به نوبه خود دارای تأثیرات قابل ملاحظه ای بر رشد اقتصادی بلندمدت بالقوه یک کشور خواهد بود. نتایج برآورد آماری این محققین روی داده های تابلویی کشورهای عضو سازمان OECD برای دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰، نشان دهنده چنین امری می باشد.

۲-۵- پیشینه تحقیق

برخی از تحقیقات انجام شده داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق در زیر اشاره می گردد:

لای و همکاران^۸ در مطالعه خود به بررسی اثر

۴- بنگاه های دولتی اغلب به دنبال اهداف غیراقتصادی می باشند. از آنجا که بنگاه های دولتی پاسخگوی اربابان سیاسی به جای بازار هستند، نه تنها انحراف از تلاش برای کسب حداکثر سود امکان پذیر است، بلکه در واقع مطلوب می باشد. بنگاه های دولتی حتی در بازارهای کاملاً رقابتی نیز ناکارآمد خواهند بود؛ زیرا سیاستمداران آنها را ناگزیر می کنند تا به تعقیب اهداف غیراقتصادی مبادرت ورزند. از جمله این اهداف می توان به حفظ نیروی مازاد، تأسیس کارخانه در مناطقی که به لحاظ سیاسی (و نه اقتصادی) مطلوب هستند و تعیین قیمت محصولات پایین تر از نرخ بازار اشاره کرد (مگینسون، ۲۰۰۵: ۷۷).

ج- نظریه های اقتصاد نهادی نو (جدید) و حق مالکیت^۲:

با توجه به نظر نورث^۳ در سال ۱۹۹۰ مطابق نظریه اقتصاد نهادی نو، مهم ترین نهاد یا قانون اقتصادی در جامعه، حق مالکیت است و در بلندمدت، آن سیستم اقتصادی که حق مالکیت را به رسمیت بشناسد، شرایط مناسب رشد و توسعه اقتصادی را فراهم خواهد کرد. ایجاد نوآوری های فنی، انباشت و گسترش سرمایه که از ملزومات اساسی رشد اقتصادی هستند، نیاز به ساختار حق مالکیت دارند و در غیاب آن، بنگاه ها فقط به انجام پروژه های کوتاه مدتی روی می آورند که نیاز به سرمایه ثابت کمی داشته باشند. در چنین شرایطی، دولت ها وارد عمل شده و اجرای پروژه های بزرگ را به طور مستقیم به عهده می گیرند. خصوصی سازی یکی از اساسی ترین اصلاحات اقتصادی است که چنین شرایط نامطلوبی را تغییر داده و یک ساختار نهادی مناسب برای توسعه اقتصادی فراهم می آورد (مشیری، ۱۳۸۹: ۱۴۵). اهمیت حقوق مالکیت در خصوصی سازی را هرناندو^۴ در سال ۱۹۹۶ بیان کرده است. ایشان بیان می دارد از آنجا که در اقتصادهای نوین حقوق مالکیت به صورت عادلانه رعایت می شود، هزینه مبادلات اندک است و تخصیص منابع با حداکثر کارایی موجب مازاد مالی گسترده می شود و این امر سهامداران را تشویق می کند که منابع و اعتبارات بخش خصوصی را گسترش دهند. وی نشان می دهد که خصوصی سازی یکی از متغیرهای اساسی رشد اقتصادی

5. Schwartz
6. Kay & Thompson
7. Blochliger & Egert (2013)
8. Lai et al. (2018)

1. New Institutional Economics
2. Property Rights
3. North (1990)
4. Hernando (1996)

کوک و اوچیدا^۶ اثر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی را در ۶۳ کشور در حال توسعه برای دوره زمانی ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۷ بررسی کرده‌اند. نتایج حاصله نشان می‌دهد که رقابت و وضع مقررات مربوط به آن می‌تواند منجر به تأثیر مثبت خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی گردد (کوک و اوچیدا، ۲۰۱۰: ۱۲۱).

بوبکری و همکاران^۷ به بررسی اثر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی برای ۵۶ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه برای دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۴ پرداخته‌اند. نتایج حاصل از تحقیق آنها نشان داده است که خصوصی‌سازی اثر معناداری بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است (بوبکری و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۶).

بنت^۸ در مطالعه خود به بررسی ارتباط بین روش‌های خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال گذار^۹ می‌پردازد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داده است که واگذاری از طریق کوپن سهام باعث افزایش رشد اقتصادی در کشورهای مذکور خواهد شد (بنت، ۲۰۰۷: ۶۶۱).

آدامز^{۱۰} در مطالعه خود به بررسی اثر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی در آفریقای زیرصحرایی (آفریقای سیاه) برای دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ می‌پردازد. نتایج حاکی از آن است که فرضیه اثر مثبت خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی رد می‌شود (آدامز، ۲۰۰۶: ۲۹۵).

فیلوپویچ^{۱۱} اثر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه در دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ را بررسی کرده است. طبق نتایج حاصله، خصوصی‌سازی در صورت همراه شدن با سایر اصلاحات اقتصادی، منجر به افزایش رشد اقتصادی خواهد شد (فیلوپویچ، ۲۰۰۵: ۲۱۷).

کاتسولاکوس و لیکویانی^{۱۲} در مطالعه خود به بررسی اثرات مالی و اقتصاد کلانی خصوصی‌سازی در ۲۳ کشور عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD)^{۱۳}

خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی در کشور مالزی برای دو دوره زمانی ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۰ و ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ پرداخته‌اند. نتایج نشان دهنده اثر متفاوت (مثبت و منفی) خصوصی‌سازی در دو دوره زمانی مذکور بوده است (لای و همکاران، ۲۰۱۸: ۱).

شکوروف^۱ در مطالعه خود اثر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی در کشور ازبکستان را برای دوره زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۴ مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج حاصله حاکی از اثر مثبت خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی در کشور مذکور بوده است (شکوروف، ۲۰۱۶: ۹۴۸).

قربانی و خداوردی سمانی^۲ در مطالعه خود به بررسی اثر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی در کشورهای گروه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا)^۳ برای دوره زمانی ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۴ پرداخته‌اند. نتایج نشان داده که اثر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی این کشورها منفی بوده است (قربانی و خداوردی سمانی، ۲۰۱۵: ۴۲۳).

ازاتا^۴ در مطالعه خود با عنوان اثرات اقتصادی کلان خصوصی‌سازی، به بررسی ارتباط بین درآمدهای حاصل از خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی در کشور ترکیه می‌پردازد. نتایج حاصل نشان دهنده آن است که خصوصی‌سازی اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. برای توضیح این امر، محقق اشاره می‌کند که درآمد حاصل از خصوصی‌سازی به خزانه واریز و سپس صرف بدهی‌های داخلی و خارجی خزانه‌داری شده است. لیکن چنانچه این درآمدها صرف سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها می‌شد می‌توانست اثر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد (ازاتا، ۲۰۱۳: ۱۲۸).

بلوچلیگر و ایگرت^۵ در مطالعه‌ای به تحلیل روابط میان تمرکززدایی از فعالیت‌های مالی دولت و فعالیت‌های اقتصادی پرداختند. به عقیده آنها تمرکززدایی (واگذاری دارائی‌ها به بخش خصوصی) دارای تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر رشد اقتصادی بلندمدت بالقوه یک کشور می‌باشد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که رابطه میان تمرکززدایی با تولید ناخالص داخلی سرانه و بهره‌وری معنادار و مثبت است (بلوچلیگر و ایگرت، ۲۰۱۳: ۱).

6. Cook & Uchida (2010)

7. Boubakri et al. (2009)

8. Bennett (2007)

۹. منظور گذار از اقتصاد متمرکز و دولتی به سمت اقتصاد بازار از طریق خصوصی‌سازی و آزادسازی فعالیت‌های اقتصادی.

10. Adams (2006)

11. Filipovic (2005)

12. Katsoulakos & Likoyanni (2002)

13. Organization for Economic Co-operation and Development

1. Shukurov (2016)

2. Ghorbani & Khadaverdisamani (2015)

3. Middle East and North Africa (MENA)

4. Ozata (2013)

5. Blochliker & Egert (2013)

مسعودی در مطالعه خود با عنوان ارزشیابی عملکرد خصوصی سازی و تأثیر آن بر برخی متغیرهای کلان اقتصادی برنامه چهارم توسعه، به این نتیجه می‌رسد که تأثیر خصوصی سازی بر درآمد سرانه مثبت می‌باشد (مسعودی، ۱۳۸۹: ۱).

سپهوند در مطالعه خود به بررسی تأثیرات خصوصی سازی بر عملکرد شرکت‌های خصوصی شده در ایران پرداخته است. نتایج نشان دهنده تفاوت معنادار و مثبت در شاخص‌های عملکردی فروش، سودآوری و کارایی، پس از خصوصی سازی نسبت به قبل از آن می‌باشد (سپهوند، ۱۳۸۹: ۱).

صمصامی و خزائی در مطالعه‌ای به بررسی اثر سیاست خصوصی سازی بر افزایش بهره‌وری (رشد تولید سرانه) در دو گروه از شرکت‌های خدماتی و تولیدی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از تحقیق نشان داده است که خصوصی سازی اثر متفاوتی بر شرکت‌های خدماتی و تولیدی داشته است، به نحوی که این سیاست بر بهره‌وری شرکت‌های خدماتی بی تأثیر، ولی بر بهره‌وری شرکت‌های تولیدی اثر مثبت داشته است (صمصامی و خزائی، ۱۳۸۹: ۴۷).

فتحی عبدالهی در مطالعه خود به ارزیابی تأثیر خصوصی سازی بر عملکرد مالی و عملیاتی شرکت‌های دولتی خصوصی شده پذیرفته شده در بازار بورس پرداخته است. نتایج حاصله نشان دهنده آن است که پس از واگذاری شاخص‌های کیفیت سود و نسبت فروش به نیروی انسانی کاهش و نسبت سود خالص به نیروی انسانی افزایش یافته است (فتحی عبدالهی، ۱۳۸۸: ۱).

قزل سفلو در مطالعه خود به بررسی و ارزیابی تأثیر انتقال مالکیت بر سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. نتایج حاصل از بررسی نشان دهنده آن است که سودآوری شرکت‌ها بعد از واگذاری افزایش یافته است (قزل سفلو، ۱۳۸۷: ۱).

۳- روش‌شناسی

در حالت کلی مدل‌های رشد اقتصادی به دو دسته مدل‌های رشد برون‌زا و درون‌زا تقسیم می‌شوند. در مدل‌های رشد برون‌زا پیشرفت تکنولوژی به‌عنوان عامل برون‌زا و انباشت سرمایه به‌عنوان عامل درون‌زا برای رشد تولید در نظر گرفته می‌شود. الگوهای مهم مطرح در این زمینه الگوی

پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که خصوصی سازی اثر معناداری بر رشد اقتصادی نداشته است (کاتسولاکوس و لیکویانی، ۲۰۰۲: ۱).

بارنت^۱ در مطالعه خود اثر خصوصی سازی را بر متغیرهای مالی، رشد اقتصادی، نرخ بیکاری و سرمایه‌گذاری در ۱۰ کشور در حال توسعه و ۸ کشور در حال گذار مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصله حاکی از آن است که خصوصی سازی اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد (بارنت، ۲۰۰۰: ۱).

پلن^۲ در مطالعه خود اثر خصوصی سازی را در ۳۵ کشور در حال توسعه برای دوره زمانی ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۲ مورد بررسی قرار داده است. نتایج مطالعه وی حاکی از آن است که اثر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی مثبت بوده است (پلن، ۱۹۹۷: ۱۷۸).

تقویان در مطالعه خود به بررسی اثر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی، توسعه مالی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال گذار (لهستان، مجارستان، جمهوری چک، اسلواکی، اسلوانی، استونی، لیتوانی و لتونی) پرداخته است. نتایج حاصله نشان دهنده اثر مثبت خصوصی سازی بر متغیرهای مذکور می‌باشد (تقویان، ۱۳۹۳: ۱).

آرین مهر در مطالعه خود اثرات خصوصی سازی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو گروه جی - هشت^۳ را مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که خصوصی سازی تأثیری مثبت و معنی‌دار، بر رشد اقتصادی در کشورهای مزبور داشته است (آرین مهر، ۱۳۹۲: ۱).

رجایی لیتکوهی در مطالعه خود با عنوان اثر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی: کشورهای در حال توسعه منتخب)، نشان می‌دهد که خصوصی سازی در صورت همراه شدن با بهبود وضعیت عملکرد دولت‌ها، اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد (رجایی لیتکوهی، ۱۳۹۰: ۱).

مشیری در مطالعه خود به بررسی ارتباط بین خصوصی سازی و رشد اقتصادی در ۱۱۷ کشور در حال گذار و در حال توسعه، پرداخته است. طبق بررسی‌های انجام شده، اثر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی خنثی است (مشیری، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

1. Barnett (2000)

2. Plane (1997)

۳. گروه جی - هشت (G-8) شامل هشت کشور فرانسه، آلمان، انگلیس، ایتالیا، ژاپن، آمریکا، روسیه و کانادا می‌باشد.

(۱)

$$Y = AK^\alpha H^{1-\alpha} \quad 0 < \alpha < 1$$

که در آن H به معنای نیروی انسانی آموزش دیده و به صورت $H=uhl$ تعریف شده است. لوکاس از uh به عنوان ذخیره سرمایه انسانی نام برده است. u کسری از زمان غیر از فراغت، h معیار کیفیت متوسط نیروی کار و L تعداد کارگران است. بر این اساس رابطه فوق به صورت زیر تعریف می‌شود.

(۲)

$$Y = AK^\alpha (uhl)^{1-\alpha}$$

(۳)

$$y = Y/L = AK^\alpha (uh)^{1-\alpha}$$

این مدل در مطالعات اقتصادی به عنوان یکی از مهم‌ترین مدل‌های رشد مطرح شده و تاکنون در مطالعات تجربی متعددی برای بررسی رشد اقتصادی کشورها مورد توجه قرار گرفته است.

بر اساس مبانی نظری موجود یکی از متغیرهای مهم مؤثر بر رشد اقتصادی، صادرات می‌باشد. افزایش و توسعه صادرات منجر به استفاده از ظرفیت‌های بالقوه، تخصیص کارای منابع، دسترسی به تکنولوژی و فناوری جدید، انتقال دانش، افزایش خلاقیت و استفاده از صرفه‌های حاصل از مقیاس اقتصادی و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی خواهد شد. استوارت میل^۹ به نقل از ریکاردو^{۱۰} عنوان می‌نماید که رشد صادرات موجب افزایش درآمد و اشتغال شده و با فراهم آوردن امکان بهره‌گیری از صرفه‌های مقیاس، بهره‌گیری از تکنولوژی پیشرفته، امکان تخصیص بهینه منابع و افزایش رقابت در تولید محصولات، می‌تواند موجب افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید و رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر شود (ادواردز^{۱۱}، ۱۹۹۸: ۳۸۳-۳۸۹).

به باور بسیاری از اقتصاددانان از جمله گروسمن و هلمپن^{۱۲} (۱۹۹۳) رشد صادرات به‌طور غیرمستقیم از طریق اثرات زنجیری، عواید ارزی خارجی و اثرات جانی مثبت آن بر اقتصاد داخلی، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این پدیده تحت عنوان فرضیه رشد متکی به صادرات (ELG^{۱۳}) مطرح

رشد سولو^۱ (۱۹۵۶)؛ الگوی رشد رمزی^۲ (۱۹۲۸)، کاس^۳ (۱۹۶۵) و کوپمنز^۴ (۱۹۶۵) و الگوی دیاموند^۵ (۱۹۶۵) می‌باشد. الگوهای درون‌زا نیز به‌طور کلی در دو دسته مدل‌های تحقیق و توسعه (R&D) و مدل‌های سرمایه انسانی تقسیم می‌شوند. ویژگی اصلی این الگوها، حذف بازدهیهای نزولی نسبت به مقیاس می‌باشد. در این الگوها نقش فناوری توسط ویژگی‌های مختلفی همچون ویژگی‌های شخصیتی، آگاهی انباشته، مخارج تحقیق و توسعه و منابع پایان‌ناپذیر و پایان‌پذیر تعیین شده است. رشد درون‌زا با تأکید بر این نکته که رشد اقتصادی، پیامد سیستم اقتصادی است؛ نه نتیجه نیروهای وارده از خارج، خود را از رشد نئوکلاسیکی متمایز می‌سازد. در الگوهای تحقیق و توسعه (R&D) فرض می‌شود نیروی کار، سرمایه و فناوری برای بهبود فناوری با هم ترکیب می‌شوند و با تخصیص منابع بیشتر به تحقیق و توسعه منجر به افزایش نوآوری و متعاقباً بهره‌وری می‌شود. عامل هزینه تحقیق و توسعه و پیشرفت تکنولوژی باعث کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری و رشد صادرات می‌شود (مهرگان و سلطانی صحت، ۱۳۹۳: ۳). در الگوهای سرمایه انسانی، سرمایه از مفهوم اولیه کلاسیکی خود که محدود به سرمایه فیزیکی بود، به مفهوم سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی نیز گسترش پیدا می‌کند. فی‌الواقع الگوی سرمایه انسانی دلیل دیگری را نیز برای توضیح دلایل اختلاف درآمد کشورهای مختلف، ارائه می‌نماید و اشاره می‌کند که این اختلاف می‌تواند ناشی از تفاوت در سرمایه انسانی باشد. این الگو یکی از الگوهای بسیار مهم در ادبیات رشد اقتصادی است که مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است و در این تحقیق نیز از آن استفاده خواهد شد.

الگوی سرمایه انسانی در سال ۱۹۸۸ در مطالعه لوکاس^۶

و در سال ۱۹۹۱ در مطالعه بارو^۷ مورد تأیید قرار گرفت. مدل ارائه شده توسط لوکاس به شرح زیر می‌باشد (کارل^۸، ۲۰۱۹: ۱):

1. Solow (1956)
2. Ramsy (1928)
3. Cass (1965)
4. Koopmans (1965)
5. Diamond (1965)
6. Lucas (1988)
7. Barro (1991)
8. Carroll (2019)

9. Stuart Mill

10. Ricardo

11. Edwards (1998)

12. Grossman & Helpman (1993)

13. Export-Led Growth

در اغلب پژوهش‌های مرتبط با موضوع، برای برآورد مدل‌های مشابه مدل فوق از الگوی خودتوضیح برداری با وقفه گسترده (مدل ARDL) استفاده شده است، اما استفاده از این الگو محدودیت‌هایی را به دنبال دارد. محمدی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان "خطای متداول در کاربرد مدل‌های سری زمانی: کاربرد نادرست مدل ARDL"، با بیان عدم توجه پژوهشگران به برخی محدودیت‌های این روش مانند هم‌زمانی و برون‌زایی متغیرها و اشکالات حاصل از آن در برآورد، استفاده از روش‌های دیگر متداول اقتصادسنجی را مطرح کرده است. فیلیپس و هانسن^۲ (۱۹۹۰)، برای بررسی هم‌انباشتگی و روابط بلندمدت متغیرها، روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده (FMOLS)^۳، را معرفی کردند. روش حداقل مربعات معمولی انگل گرنجر اگر چه سازگار است، اما به‌طور مجانبی بدون تورش و دارای توزیع نرمال نیست. همچنین، روش حداقل مربعات برای برآورد رگرسیون هم‌انباشته‌ای که دارای حجم نمونه و تعداد مشاهدات زیاد است، نتایج سازگار و کارایی به همراه دارد، اما در نمونه‌های کوچک، برآوردگرهای روش حداقل مربعات معمولی دارای توزیع غیرنرمال بوده و نتایج همراه با تورش است. به‌طور کلی می‌توان بیان کرد که روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده دو تصحیح روی روش حداقل مربعات معمولی اعمال می‌کند که عبارتند از: تصحیح تورش و تصحیح درون‌زایی. همچنین، فیلیپس نشان داد که برآوردهای حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده مانند روش یوهانسن^۴ (۱۹۸۸)، در شرایطی که تمام متغیرها درون‌زا هستند، به‌طور مجانبی کاراست. در مجموع، می‌توان گفت به وسیله روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده که توسط فیلیپس و هانسن مطرح شد، می‌توان یک برآورد بهینه از بردار هم‌انباشتگی را برآورد کرد. در واقع، فیلیپس و هانسن برآوردگری را پیشنهاد کردند که با استفاده از تصحیح شبه پارامتریک، مشکلات به‌وجود آمده از همبستگی بلندمدت بین معادله هم‌انباشتگی و تغییرات متغیرهای تصادفی را برطرف می‌کند. برآوردهای پیشنهادی آنها به‌طور مجانبی ناریب و دارای ترکیب مجانب‌های کاملاً کاراست. برآوردگر حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده، از برآوردهای اولیه ماتریس‌های کواریانس بلندمدت متقارن و یک طرفه باقیمانده‌ها استفاده می‌کنند. در

است که با گسترش اقتصادسنجی سری‌های زمانی عموماً مورد تأیید قرار گرفته است (معززی و همکاران، ۱۳۸۵: ۳). به هر حال امروزه رابطه میان صادرات و رشد اقتصادی به عنوان یکی از موضوعات مهم توسعه قلمداد شده است. در این رابطه بیشتر تجزیه و تحلیل‌ها بر اساس این فرضیه که فعالیت صادراتی منجر به رشد اقتصادی می‌شود بنا شده‌اند، به‌عبارتی توسعه صادرات منجر به رشد اقتصادی می‌شود (ریپاس و کریستو پلاس، ۲۰۰۵، به نقل از سلمانی بی‌شک، ۱۳۹۳: ۵).

با استفاده از مباحث مطرح شده فوق در خصوص متغیرهای مؤثر بر رشد اقتصادی و نکات مطرح شده در بخش مبانی نظری پیرامون اثر خصوصی‌سازی بر این متغیر، الگوی مربوطه را می‌توان به‌صورت زیر ارائه نمود:

$$g = f(k, \text{HDI}, \text{TR}, P) \quad (۴)$$

که در آن، g میزان تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه (GDP)، k موجودی سرمایه به قیمت پایه، HDI ^۱ شاخص توسعه انسانی (که دارای ابعاد دانش، بهداشت و سلامت و استاندارد زندگی است)، TR تراز تجاری (نسبت تفاوت صادرات و واردات) به تولید ناخالص داخلی و P متغیر خصوصی‌سازی (درآمدهای واقعی حاصل از خصوصی‌سازی بدون رد دیون و سهام عدالت) می‌باشد.

لازم به ذکر است در مطالعات تجربی، متغیر سرمایه انسانی به اشکال مختلف دیگری نیز در مدل‌ها وارد شده است (مثال: در مطالعه برقندان و همکاران از متغیر "تعداد افراد شاغل دارای تحصیلات دانشگاهی" (برقندان و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۵)؛ در مطالعه طیبی و همکاران از متغیر "هزینه‌های آموزشی" (طیبی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۴۴) و در مطالعه صالحی از متغیر "نرخ ثبت‌نام در مقاطع مختلف" (صالحی، ۱۳۸۱: ۵۳) استفاده شده است. لیکن پراکسی مورد استفاده در مطالعه حاضر شاخص (HDI) می‌باشد که سالانه توسط سازمان ملل ارائه می‌شود و بدلیل داشتن ابعاد گسترده‌تر (و نه صرفاً تأکید بر تک بعد آموزش) مناسب‌تر ارزیابی می‌گردد.

با عنایت به موارد مذکور می‌توان الگوی فوق را به‌صورت تابع زیر ارائه نمود:

$$\text{Ln}g_t = \beta_0 + \beta_1 \text{Ln}K_t + \beta_2 \text{Ln} \text{HDI}_t + \beta_3 \text{TR}_t + \beta_4 \text{Ln}P_t + u_t \quad (۵)$$

$$\text{Ln}g_t = \beta_0 + \beta_1 \text{Ln}K_t + \beta_2 \text{Ln} \text{HDI}_t + \beta_3 \text{TR}_t + \beta_4 \text{Ln}P_t + u_t$$

و سرانجام، برآوردگر روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده نیز به صورتی به دست می‌آید که در آن $Z_1 = (X_{1t}, D_{2t})$ است (محمدی و نبی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۳۳-۱۳۴).

(۱۲)

$$\hat{\theta} = \begin{bmatrix} \hat{\beta} \\ \hat{\gamma}_t \end{bmatrix} = (\sum_{t=1}^T Z_t Z_t')^{-1} \left(\sum_{t=1}^T Z_t y_t' - T \begin{bmatrix} \hat{\lambda}_{22}^+ \\ 0 \end{bmatrix} \right)$$

با عنایت به توضیحات ارائه شده قبل، در این مطالعه برای بررسی اثر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی در کشور از روش FMOLS استفاده می‌شود. بر اساس دلایل نظری که توسط اندیشمندان اقتصادی مطرح شده و در قسمت چارچوب نظری تحقیق نیز مفصلاً اشاره گردید به نظر می‌رسد اثر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی مثبت باشد. لذا تنها فرضیه تحقیق به شرح زیر بیان می‌شود:

"اثر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار است."

۴- نتایج برآورد مدل

قبل از برآورد مدل لازم است اشاره شود که آمار و اطلاعات مربوط به تمامی متغیرهای پژوهش از وبسایت مرکز آمار ایران و وبسایت برنامه توسعه سازمان ملل متحد استخراج شده است.

نتایج آزمون ریشه واحد برای تمام متغیرهای یادشده در جدول ۴ ارائه شده است. بنابراین، طبق این آزمون تمامی متغیرهای انتخاب شده انباشته از درجه یک بوده یا $I(1)$ هستند. در ادامه ضمن توجه به موارد مذکور در بخش قبل، مدل مورد نظر تحقیق (رابطه ۵) با استفاده از روش FMOLS برآورد شده است، که نتایج آن در جدول ۵ مشاهده می‌شود.

این خصوص چنانچه فضای $n+1$ بعدی فرایند برداری سری زمانی (x, y) و معادله هم‌جمعی مربوطه را در نظر بگیریم:

(۶)

$$y_t = X_t + D_{1t} \gamma_1 + u_{1t}$$

$D_t = (D_{1t}, D_{2t})$ رگرسورهای روند معین، قطعی و X_t متغیرهای توضیحی تصادفی است که توسط یک دستگاه معادله به شکل زیر بیان می‌شود:

(۷)

$$X_t = \Gamma_{21} D_{2t} + \Gamma_{22} D_{2t} + \epsilon_{2t}$$

$$\Delta \epsilon_{2t} = u_{2t}$$

همچنین، u_{2t} نیز ممکن است به صورت غیرمستقیم مانند $\Delta \epsilon_{2t} = u_{2t}$ از طریق رگرسیون‌های در سطح (بدون تفاضل‌گیری) به وجود آید یا به صورت مستقیم از طریق رگرسیون‌های تفاضلی به دست آید.

(۸)

$$X_t = \hat{\Gamma}_{21} D_{1t} + \hat{\Gamma}_{22} D_{2t} + \hat{\epsilon}_{2t}$$

(۹)

$$\Delta X_t = \hat{\Gamma}_{21} \Delta D_{1t} + \hat{\Gamma}_{22} \Delta D_{2t} + \hat{u}_{2t}$$

اگر Ω و ω را ماتریس کواریانس بلندمدت محاسبه شده از طریق باقیمانده‌ها $\hat{u}_1 = (\hat{u}_{1t}, \hat{u}_{2t})$ بنامیم، می‌توانیم واریانس‌های اصلاح شده زیر را تعریف کنیم:

(۱۰)

$$\hat{y}_{22}^+ = y_t - \hat{\omega}_{12} \hat{\Omega}_{22}^{-1} \hat{u}_{22}$$

جمله تصحیح اریب برآوردشده نیز به صورت بالا خواهد بود.

(۱۱)

$$\hat{\lambda}_{22}^+ = \hat{\lambda}_{12} - \hat{\omega}_{12} \hat{\Omega}_{22}^{-1} \hat{\Lambda}_{22}$$

جدول ۴. آزمون ریشه واحد دیکی فولر گسترش یافته برای متغیرها

متغیر	آماره دیکی فولر $I(0)$	آماره دیکی فولر $I(1)$	عدد بحرانی
LOG(GDP)	-۲/۳۰	-۴/۵۰	-۳/۷۲
TR	-۳/۰۱	-۶/۱۵	-۳/۷۲
LOG(P)	-۲/۴۵	-۵/۷۰	-۳/۷۲
LOG(HDI)	-۲/۰۱	-۴/۸۹	-۳/۷۲
LOG(K)	-۲/۰۹	-۶/۸۷	-۳/۷۲

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۵. برآورد مدل

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
LOG(K)	۰/۴۰۳۰۷۹	۰/۰۴۹۳۸۹	۸/۱۶۱۲۹۰	۰
LOG(P)	۰/۰۲۴۵۶۲	۰/۰۰۹۲۵۵	۲/۶۵۳۷۸۱	۰/۰۱۵۲
LOG(HDI)	۰/۵۱۷۵۱۶	۰/۱۴۳۸۳۲	۳/۵۹۸۰۵۲	۰/۰۰۱۸
TR	۰/۰۰۷۱۳۰	۰/۰۰۲۳۰۴	۳/۰۹۴۷۴۲	۰/۰۰۵۷
C	۹/۸۴۷۷۱۱	۰/۷۲۵۲۴۳	۱۳/۵۷۸۵۰	۰
DUM	۰/۱۳۹۹۳۲	۰/۰۳۱۱۰۸	۴/۴۹۸۲۲۸	۰/۰۰۰۲
R-squared	۰/۹۶۶۹۲۱	Mean dependent var		۱۵/۵۰۶۲۱
Adjusted R-squared	۰/۹۵۸۶۵۱	S.D. dependent var		۰/۲۲۴۸۳۳
S.E. of regression	۰/۰۴۵۷۱۸	Sum squared resid		۰/۰۴۱۸۰۳
Long-run variance	۰/۰۰۲۵۳۸			

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۷. آزمون خودهمبستگی

	AC	PAC	Q-Stat	Prob*
۱	۰/۲۷۵	۰/۲۷۵	۲/۲۰۶۳	۰/۱۳۷
۲	۰/۰۶۱	-۰/۰۱۶	۲/۳۱۷۸	۰/۳۱۴
۳	-۰/۳۶۸	-۰/۴۱۲	۶/۶۱۳۵	۰/۰۸۵
۴	-۰/۰۸۱	۰/۱۶۶	۶/۸۲۸۸	۰/۱۴۵
۵	-۰/۲۲۴	-۰/۲۴۷	۸/۵۷۱۸	۰/۱۲۷
۶	-۰/۱۹۰	-۰/۳۰۷	۹/۸۸۶۷	۰/۱۳۰
۷	-۰/۲۱۵	-۰/۰۱۷	۱۱/۶۵۰	۰/۱۱۳
۸	۰/۰۲۱	-۰/۰۶۲	۱۱/۶۶۷	۰/۱۶۷
۹	۰/۰۹۹	-۰/۰۹۹	۱۲/۰۸۴	۰/۲۰۹
۱۰	۰/۱۱۸	-۰/۰۴۴	۱۲/۷۱۳	۰/۲۴۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۸. آزمون واریانس ناهمسانی

	AC	PAC	Q-Stat	Prob*
۱	۰/۱۵۰	۰/۱۵۰	۰/۶۵۴۴	۰/۴۱۹
۲	-۰/۱۱۷	-۰/۱۴۳	۱/۰۷۲۲	۰/۵۸۵
۳	۰/۰۹۹	۰/۱۴۷	۱/۳۸۵۵	۰/۷۰۹
۴	-۰/۱۷۲	-۰/۲۴۹	۲/۳۶۵۲	۰/۶۶۹
۵	۰/۱۳۷	۰/۲۹۴	۳/۰۱۹۷	۰/۶۹۷
۶	۰/۰۷۱	-۰/۱۵۳	۳/۲۰۲۸	۰/۷۸۳
۷	-۰/۰۶۸	۰/۱۲۷	۳/۳۸۲۳	۰/۸۴۸
۸	۰/۲۶۰	۰/۱۴۹	۶/۱۰۸۹	۰/۶۲۵
۹	۰/۱۴۹	۰/۱۵۸	۷/۰۶۰۷	۰/۶۳۱
۱۰	-۰/۰۷۲	-۰/۱۲۷	۷/۲۹۵۷	۰/۶۹۷

مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج موجود در جدول ۵ ضرایب تمامی متغیرهای تابع از نظر آماری در سطح اطمینان بالایی معنادار می‌باشند. ضمناً منظور از DUM متغیر مجازی می‌باشد که برای نشان دادن عوامل کیفی همچون توافق برجام در مدل وارد شده است. نتایج این برآورد زمانی قابل اتکا است که متغیرها هم‌انباشته باشند. برای این منظور آزمون هانسن انجام شد و نتایج این آزمون حاکی از آن است که متغیرها هم‌انباشته‌اند (جدول ۶).

جدول ۶. آزمون هانسن (آزمون هم‌انباشتگی متغیرها)

Stochastic	Deterministic	Excluded	Lc statistic	
Trends (m)	Trends (k)	Trends (p)	Prob*	
۰/۲۳۹۴۲۷	۴	۰	۰	>۰/۲

مأخذ: محاسبات تحقیق

همچنین آزمون Q، توابع خودهمبستگی و ضرایب خودهمبستگی مجذور پسماند انجام شده است. نتایج این دو آزمون نیز نشان می‌دهد مدل فاقد ایرادات خودهمبستگی یا تصریح غلط مدل است و الگوی غیرخطی موجود در داده‌ها را در خود جای داده است و الگوی غیرخطی دیگری در پسماند وجود ندارد. بنابراین، مدل به‌طور مناسب تصریح شده است، همچنین الگوی ARCH در پسماند نداریم. آزمون خودهمبستگی و واریانس ناهمسانی در جداول ۷ و ۸ ارائه شده است.

زیربناهای اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته و همچنین مشارکت دولت با بخش‌های غیردولتی به منظور توسعه اقتصادی این قبیل مناطق صرف شده است (بند ۲-د) سیاست‌های ابلاغی اصل (۴۴) قانون اساسی و بندهای (۳) و (۵) ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست‌های یاد شده). لذا مصرف این منابع برای سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی موجب رفع تنگنای تولید و افزایش رشد اقتصادی می‌گردد. بخش دیگری از درآمدهای حاصل از خصوصی‌سازی برای افزایش درآمد اقشار کم درآمد جامعه، مصرف شده است (بند ۱) ماده قانونی مذکور؛ که از این راستا نیز به نظر می‌رسد خصوصی‌سازی در ابتدا موجب افزایش مصرف و سپس بر اساس اصل ضریب تکاثر موجب افزایش تولید و رشد اقتصادی شود. همچنین افزایش بهره‌وری شرکت‌های واگذار شده از طریق خصوصی‌سازی، که در برخی از مطالعات داخلی مورد تأیید قرار گرفته است (مانند صمصامی و خزائی، ۱۳۸۹ و سپهوند، ۱۳۸۹)، احتمالاً یکی دیگر از کانال‌های اثرگذاری مثبت خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی باشد.

در انتها با توجه به نتایج حاصله از پژوهش مبنی بر تأثیر مثبت خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی و با عنایت به اینکه در حال حاضر هنوز تعداد زیادی بنگاه اقتصادی مشمول واگذاری در فهرست واگذاری مصوب هیئت واگذاری قرار دارد، پیشنهاد می‌گردد دست‌اندرکاران امر واگذاری‌ها نسبت به اجرای سریع و دقیق سیاست‌های کلی اصل (۴۴) و هزینه کرد منابع حاصله در زیرساخت‌های اقتصادی، توجه مضاعف نمایند. به‌علاوه به منظور افزایش و ارتقاء اثر اجرای این برنامه، توصیه می‌شود سایر پیش‌نیازها و هم‌نیازهای اجرای برنامه مذکور از جمله موضوعات اصلاح ساختار شرکت‌ها قبل از واگذاری و نظارت پس از واگذاری، بهبود فضای کسب و کار، افزایش رقابت‌پذیری، گسترش بازار سرمایه، ایجاد ثبات در شرایط اقتصادی، افزایش حس اطمینان برای سرمایه‌گذاران و ... توسط سیاست‌گذاران و مجریان امر مورد توجه و تأکید جدی قرار گیرد.

با توجه به نتایج موجود در جدول ۵، فرضیه پژوهش مبنی بر تأثیرپذیری مثبت رشد اقتصادی از درآمدهای حاصل از خصوصی‌سازی مورد تأیید قرار می‌گیرد. با عنایت به اینکه ضرائب در مدل لگاریتمی همان کشش می‌باشند، لذا می‌توان گفت که یک درصد افزایش در ارزش درآمدهای حاصل از خصوصی‌سازی موجب افزایش ۰/۰۲۵ درصد در رشد اقتصادی خواهد شد. ضریب سایر متغیرهای الگو شامل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، سرمایه توسعه انسانی و آزادی تجاری نیز مطابق انتظار مثبت بوده است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

به منظور ارزیابی اثر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی در این مطالعه از الگوی سرمایه انسانی شده است. با توجه به نتایج حاصله، فرضیه پژوهش مبنی بر مثبت بودن اثر مذکور مورد تأیید قرار می‌گیرد (ضریب ۰/۰۲۵). همچنین طبق نتایج حاصله یک درصد افزایش در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، موجب افزایش ۰/۴ درصد در رشد اقتصادی می‌شود. ضریب متغیر شاخص توسعه انسانی و تراز تجاری در مدل برآورد شده، به ترتیب برابر ۰/۵۲ و ۰/۰۰۷ است. این مهم ضمن تأیید نظریه سرمایه انسانی در مباحث رشد اقتصادی در حوزه کاربردی و تجربی، و به‌علاوه تأیید تأثیر تراز تجاری بر رشد اقتصادی در کشور، این نکته را متذکر می‌شود که سیاست‌گذاران اقتصادی می‌بایست توجه و تأکید مضاعفی بر مبحث سرمایه انسانی و امر تجارت خارجی جهت نیل به رشد اقتصادی بیشتر در کشور داشته باشند.

با توجه به اثر مثبت خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی لازم به توضیح است که به‌طور کلی خصوصی‌سازی بر رفتار اقتصادی دولت از کانال مخارج، بر رفتار مصرف‌کنندگان از کانال ضریب تکاثر و بر رفتار بنگاه‌ها از کانال سرمایه‌گذاری و همچنین افزایش بهره‌وری تأثیرگذار است که این موارد نیز به نوبه خود بر رشد اقتصادی مؤثر می‌باشند. بخشی از درآمدهای حاصل از خصوصی‌سازی توسط دولت، به منظور ایجاد

منابع

اسلامی‌نژاد، سیدعلی (۱۳۹۲). "خصوصی‌سازی در ایران". تهران: انتشارات فرهنگ دهخدا.
برقندان، ابوالقاسم؛ برقندان، کامران؛ ستوده‌نیا کرانی، سلمان و پازند، مجید (۱۳۹۰). "اثر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در

آرین‌مهر، شهرام (۱۳۹۲). "تحلیل اثرات خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو گروه جی - هشت (۲۰۱۰-۱۹۹۸)". دوفصلنامه علمی - تخصصی اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی، شماره اول، ۲۰-۱.

- ایران". فصلنامه مدل سازی اقتصادی، سال چهارم، شماره ۲، ۳۹-۵۶.
- تقویان، لیلا (۱۳۹۳). "اثر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی، توسعه مالی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی.
- رجایی لیتکوهی، محمدمهدی (۱۳۹۰). "اثر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی: کشورهای در حال توسعه منتخب)". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اقتصادی و اداری.
- رزمی، سید محمدجواد؛ شهرکی، سارا و کلایی، محمدرضا (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین تجارت بین الملل و رشد اقتصادی با استفاده از شاخص حکمرانی خوب". فصلنامه پژوهش های بازرگانی، شماره ۵۹، ۱۶۲-۱۳۷.
- سپهوند، علی (۱۳۸۹). "تأثیرات خصوصی سازی بر عملکرد شرکت های خصوصی شده در ایران". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی.
- سلطانی، داود (۱۳۸۹). "خصوصی سازی در صنعت برق ایران (تولید، انتقال، توزیع)". تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی الماس دانش.
- سلمانی بی شک، محمدرضا (۱۳۹۳). "اثر صادرات کالاهای صنعتی بر رشد اقتصادی در ایران". مجله اقتصادی، سال چهاردهم، شماره های ۱۱ و ۱۲، ۱۶-۵.
- سلیمانی سه دهی، مجتبی و داورزنی، هدی (۱۳۸۹). "خصوصی سازی و برون سپاری: نمونه های موفق و ناموفق". تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
- صالحی، محمد جواد (۱۳۸۱). "اثرات سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی ایران". فصلنامه پژوهشی و برنامه ریزی در آموزش عالی، سال ۸، شماره ۱، ۷۴-۴۳.
- صمصامی، حسین و خزائی، مهدی (۱۳۸۹). "بررسی اثر خصوصی سازی بر بهره وری". نشریه اقتصاد تطبیقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، ۴۷-۶۵.
- طیعی، سید کمال؛ عمادزاده، مصطفی و شیخ بهایی، آرزیتا (۱۳۸۷). "تأثیر تجارت خارجی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی". مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۳، شماره ۴، ۲۵۲-۲۳۲.
- عباسی، منصوره (۱۳۸۸). "چالش ها و الزامات خصوصی سازی و اجرای سیاست های کلی اصل (۴۴)". تهران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- فتحی عبدالهی، احمد (۱۳۸۸). "ارزیابی تأثیر خصوصی سازی بر عملکرد مالی و عملیاتی شرکت های دولتی خصوصی شده پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری.
- قرن سفلو، جواد (۱۳۸۷). "بررسی و ارزیابی تأثیر انتقال مالکیت بر سودآوری شرکت های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد، دانشکده علوم انسانی.
- کیکری، سونیتا و نیلیس، جان (۲۰۰۱). "خصوصی سازی در بخش های رقابتی". تهران، سازمان خصوصی سازی، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۷، مترجم: سازمان خصوصی سازی.
- محمدی، تیمور (۱۳۹۰). "خطای متداول در کاربرد مدل های سری زمانی: کاربرد نادرست مدل ARDL". فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۴۷، ۱۸۳-۱۶۳.
- محمدی، تیمور و نبی زاده، علی حسین (۱۳۹۲). "بررسی ارتباط بین نامیزانی نرخ ارز حقیقی و واردات کالاهای واسطه ای - سرمایه ای و مصرفی در ایران". فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۵۱، ۱۴۹-۱۱۳.
- مسعودی، آتوسا (۱۳۸۹). "ارزشیابی عملکرد خصوصی سازی و تأثیر آن بر برخی متغیرهای کلان اقتصادی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران (۸۸-۱۳۸۴)". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، دانشکده حقوق و اقتصاد.
- مشیری، سعید (۱۳۸۹). "خصوصی سازی و رشد اقتصادی، یک مطالعه بین کشوری". مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۰، ۱۵۸-۱۴۱.
- معززی، فاطمه (۱۳۸۵). "بررسی تأثیر صادرات محصولات کشاورزی بر صادرات صنعتی و رشد اقتصادی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی.
- مگینسون، ویلیام ال (۱۳۸۸). "اقتصاد مالی خصوصی سازی". صفار، محمد، تهران، سازمان خصوصی سازی.
- مهرگان، نادر و سلطانی صحت، لیلی (۱۳۹۳). "مخارج تحقیق و توسعه و رشد بهره وری کل عوامل تولید بخش صنعت". فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره پنجم، ۲۴-۱.

- Adams, S. (2006). "The Impact of Privatization on Economic Growth and Income Inequality in Sub-Saharan Africa". *The Journal of Social, Political, and Economic Studies*, 31(3), 295-320.
- Barnet, S. (2000). "Evidence on the Fiscal and Macroeconomic Impact of Privatization". *IMF Working Paper*, <https://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2000/wp00130.pdf>.
- Beesly, M. & Littlechild, S. (1983). "Privatization: Principles, Problems and Priorities". *Lloyds Bank Review*, No.149, 1-20.
- Bennett, J., Estrin, S. & Urga, G. (2007). "Methods of Privatization and Economic Growth in Transition Economies". *Economics of Transition and Institutional Change*, 15(4), 661-683.
- Blochlinger, H. & Egert, B. (2013). "Decentralization and Economic Growth-Part 2: The Impact on Economic Activity, Productivity and Investment". *OECD Working Papers on Fiscal Federalism*, 15, 1-24.
- Boubakri, N., Smaoui, H. & Zammiti, M. (2009). "Privatization Dynamics and Economic Growth". *Journal of Business & Policy Research*, 4(2), 16-44.
- Carroll, C. D. (2019). "The Lucas Growth Model". <http://www.econ2.jhu.edu/people/ccarroll/Public/LectureNotes/Growth/LucasGrowth.pdf>.
- Cass, D. (1965). "Optimum Growth in an Aggregative Model of Capital Accumulation". *Review of Economic Studies*, 32(3), 233-240.
- Cook, P. & Uchida, Y. (2010). "Privatization and Economic Growth in Developing Countries". *Journal of Development Studies*, 39(6), 121-154.
- Diamond, P. (1965). "National Debt in a Neoclassical Growth Model". *American Economic Review*, 55(5), 1126-1150.
- Edwards, S. (1998). "Openness, Productivity and Growth: what Do We Really Know?". *The Economic Journal*, 108(2), 383-398.
- Fafaliou, I. & Donaldson, J. (2007). "The Contribution of Privatization to Welfare". *Journal of International Economics Research*, 13(4), 461-474.
- Filipovic, A. (2005). "Impact of Privatization on Economic Growth". *Undergraduate Economic Review*, 2(1), 217-257.
- Ghorbani, M. & Khodaverdi Samani, M. (2015). "Effects of Privatization on Economic Growth in the MENA Countries over the Period 1999-2014". *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 5(4I), 423-431.
- Grossman, G. M. & Helpman, E. (1994). "Endogenous Innovation in the Theory of Growth". *Journal of Economic Perspectives*, 8(1), 23-44.
- Gustafson, T. F. & McLean, D. D. (2002). "Privatization and its Effects on Public Golf Employees". *The Cyber Journal of Applied Leisure and Recreation Research*, 25, 1-8.
- Katsoulakos, Y. & Likoyanni, E. (2002). "Fiscal and Other Macroeconomic Effects of Privatization". <http://www.feem.it/getpage.aspx?id=1059&sez>.
- Kay, J. A. & Thampson, D. J. (1986). "Privatization: A Policy in Search of a Rationale". *The Economic Journal*, 96(381), 18-23.
- Koopmans, T. C. (1965). "On the Concept of Optimal Economic Growth". *The Economic Approach to Development Planning*, 4, 225-287.
- Lai, F. W., Shad, K., Chow, Y. Y. & Wei, C. Y. (2018). "Revisiting Privatization and Economic Growth in Malaysia: An Empirical Examination". *SHS Web of Conferences 56*, <https://doi.org/10.1051/shsconf/20185605004>.
- North, D. (1990). "Institutions, Institutional Change and Economic Performance". *Cambridge University Press*.
- Ozata, E. (2013). "Macroeconomic Impact of

- Privatization: The Case of Turkey". *Journal of Business, Economics & Finance*, ISSN: 2146-7943, 128-146.
- Plane, P. (1997). "Privatization and Economic Growth: an Empirical Investigation from a Sample of Developing Market Economies". *Applied Economics, Taylor & Francis Journals*, 29(2), 161-178.
- Pring, R. (1987). "Privatization in Education". *Journal of Education Policy*, 2(4), 289-299.
- Ramsey, F. P. (1928). "A Mathematical Theory of Saving". *Economic Journal*, 38(152), 543-559.
- Schwartz, G. (1991). "Privatization: Possible Lesson from the Hungarian Case". *World Development*, 19(12), 1731-1736.
- Shukurov, S., Maitah, M. & Smutka, L. (2016). "The Impact of Privatization on Economic Growth: The Case of Uzbekistan". *International Journal of Economic and Financial Issues*, 6(3), 948-957.
- Smith, S. R. & Lipsky, M. (1993). "Nonprofits for Hire: The Welfare State in the Age of Contracting". Cambridge, MA: *Harvard University Press*.
- Solow, R. (1956). "A Contribution to the Theory of Economic Growth". *Quarterly Journal of Economics*, 70, 65-94.

